

جایگاه جوان در احادیث امام علی علیه السلام

لطیف خان مطهری *

چکیده

دوران جوانی، بهترین و بانشاطترین دوره زندگی است. در این دوران، نوعی بی‌ثباتی عاطفی، روانی و فکری بر جوانان حاکم می‌شود. جوان در این دوره حساس، در پی کسب هویت و اثبات شخصیت خود است. اگر شخصیت جوان در این دوره حساس با معارف قرآن و روایات معصومان علیهم السلام شکل بگیرد؛ آینده روشنی خواهد داشت. یکی از منابع غنی برای شناخت مسیر زندگی جوان، سخنان نورانی امام علی علیه السلام است که در اهمیت این دوره سخنانی زیادی فرموده است. نگارنده در این پژوهش، علاوه بر اهمیت و جایگاه این دوره، مهم‌ترین وظایف جوان را در کلام امام علی علیه السلام مانند تحصیل علم و دانش، دوری از هوای نفس و شهوت، خودسازی و تهذیب، عبادت و بندگی را بررسی نموده است.

کلیدواژه‌ها: جوان، امام علی علیه السلام، تحصیل علم و دانش، هوای نفس، تهذیب و خودسازی.

* دانش‌پژوه کارشناسی فقه و معارف اسلامی جامعه‌المصطفی علیه السلام العالمیه (حوزه علمیه رسول اکرم صلی الله علیه و آله کندز-



جوانی دورانی حساس و مهمی است که انسان می‌تواند به درجه کمال خود برسد. این دوران برای جوان اوج توانایی، قدرت و شکوفایی استعدادها است. برای همه موجودات بهاری وجود دارد و فصل بهار انسان، دوران جوانی است. جوان باید متوجه این فصل از عمر خود باشد که این فصل از عمر، فصلی است که سرنوشت او رقم زده می‌شود. اگر جوان بتواند به خوبی و به وجه احسن از این فصل استفاده کند، همیشه و تا آخر عمر خود کامیاب و سرافراز در جامعه زندگی خواهد کرد. این دوره نعمتی است که خداوند به انسان عطا نموده است تا آینده مادی و معنوی خود را تعیین کند؛ لذا، در قبال این نعمت مسئول است. خداوند سبحان در روز قیامت از این نعمت پربرکت سؤال می‌کند که دوران جوانی را که عطا نمودم چگونه استفاده نمودی؟ در اهمیت جوانی از امام علی علیه السلام نقل شده که می‌فرماید: یا مَعْشَرَ الْفِتْيَانِ، حَصِّنُوا أَعْرَاضَكُمْ بِالْأَدَبِ وَ دِينِكُمْ بِالْعِلْمِ؛ «ای جوانان! آبرویتان را با ادب و دینتان را با دانش حفظ کنید.» (یعقوبی، بی‌تا، ج ۲، ۲۱۰) با توجه به اهمیت این دوران، باید جوانان و نوجوانان در راستای تربیت و تحصیل علم و دانش از هرگونه تلاش و کوشش دریغ نکنند تا به اوج شکوفایی و کامیابی برسند.

۱. مفهوم شناسی

الف. جوان

جوان در لغت به معنای برنا و ضد پیر است. بهار عمر از سن ۱۸ تا ۳۵ سالگی در انسان است. به انسان یا حیوان یا درخت که به حد میانه عمر طبیعی خود رسیده باشد، جوان گفته می‌شود. (عمید، ۱۳۸۳: ۴۷۴) مرادف کلمه جوان در زبان عربی «شباب»، «غلام» و «فتی» است. (سیاح، ۱۳۷۸: ۱۷۶)

ب. حدیث

حدیث در لغت به معنای چیز تازه و ضد قدیم است. (فراهیدی، بی تا، ج ۳: ۱۷۷) واژه حدیث در قرآن ۲۸ بار آمده که ۲۳ بار به صورت مفرد و ۵ بار به صورت جمع آمده است. کاربرد واژه حدیث به صورت مفرد و جمع در قرآن برای اشاره به سرگذشت پیشینیان و در موارد متعددی به معنای مطلق کلام و خبر به کار رفته است. (تحریم/ ۳؛ طه/ ۹؛ طور/ ۳۴؛ نجم/ ۵۹؛ نساء/ ۷۸، ۱۴۰) حدیث در اصطلاح علمای شیعه عبارت است از کلامی که قول، فعل یا تقریر معصوم علیه السلام را گزارش کند و اطلاق آن بر آنچه از غیر معصوم علیه السلام رسیده از باب مجاز است. (شیخ بهایی، ۱۳۹۸ ق: ۸۱)

ج. امام علی علیه السلام

بنا به نوشته مورخین امام علی علیه السلام در روز جمعه ۱۳ رجب سال سی ام عام الفیل و در خانه خدا، مکه معظمه متولد شدند. پدر آن حضرت، ابوطالب فرزند عبدالمطلب بن هاشم بن عبدمناف عموی پیامبر صلی الله علیه و آله و مادرش هم فاطمه دختری اسد بن هاشم بود؛ بنابراین، امام علی علیه السلام از هر دو طرف هاشمی نسب است. آن حضرت در بیست و یکم ماه رمضان سال ۴۰ هجری در شهری کوفه توسط ابن ملجم به شهادت رسید. قبر مطهرش در نجف اشرف قرار دارد. (پیشوایی، ۱۳۸۳: ۲۵)

۲. وظایف جوان

هر شخص با توجه به مقام و جایگاه خود، وظایف و مسئولیت‌هایی دارد، بر همین اساس جوانان و نوجوانان نیز از این قاعده مستثنی نبوده و وظایف و تکالیفی برعهده دارند. این وظایف را می‌توان به صورت عموم به پنج دسته‌ی تحصیل علم و دانش، اهتمام به ازدواج، دوری از هوای نفس و شهوت، خودسازی و تهذیب، و عبادت و بندگی تقسیم نمود.



الف. تحصیل علم و دانش

یکی از چیزهایی که می‌تواند برای پیشرفت انسان در زندگی نقش بسزایی را ایفاء کند، فراگیری علم و دانش است. علم و ایمان دو بال برای سیر صعودی انسان‌ها و شکوفا نمودن وجود انسان برای رسیدن به کمال هستند. اهمیت علم به‌اندازه‌ای است که اولین آیه‌ای که بر پیامبر اسلام ﷺ نازل شد جمله ﴿اقْرَأْ بِاسْمِ رَبِّكَ الَّذِي خَلَقَ﴾ (علق / ۱) «بخوان به نام پروردگارت که [همه آفریده‌ها را] آفریده» بود. رسول اکرم ﷺ گاهی در جنگ‌ها اسیر می‌گرفتند می‌فرمودند: اگر هر اسیری، ده مسلمان را تعلیم دهد، آزاد است. (قرائتی، ۱۳۸۸، ج ۲: ۱۹۰) این نشان‌دهنده اهمیت علم و دانش است؛ بنابراین، جوانان باید به این وظیفه، خوب توجه کنند و به یاد داشته باشند که برای یادگرفتن، زمان و مکان مطرح نیست؛ بلکه از گهواره تا گور و از شرق تا غرب در پی یادگیری باشند. (قمی، ۱۳۶۳، ج ۲: ۴۰۱) دنیای امروز دنیای علم است. دلیل حکومت کفار بر مسلمانان قدرت علمی آنهاست. قرآن کریم می‌فرماید: ﴿لَنْ يَجْعَلَ اللَّهُ لِلْكَافِرِينَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ سَبِيلاً﴾ (نساء/ ۱۴۱) «خداوند هرگز هیچ راه سلطه‌ای به سود کافران بر ضد مؤمنان قرار نداده است.» در قرآن و روایات تحصیل علم بسیار سفارش شده است. مادری که سواد ندارد، فرزندش زودتر مریض و دیرتر خوب می‌شود. کشاورزی که سواد ندارد، نمی‌تواند از ابزارآلات کشاورزی مثل تراکتور درست استفاده کند، انسان بی‌سواد همیشه در جامعه خود را ضعیف می‌داند.

علم و دانش و آگاهی، انسان را نسبت به عاقبت کارها آگاه می‌کند و این باعث می‌شود که انسان، بخصوص جوانان در زندگی پاک‌سرشت بمانند؛ پس، بشتابیم به سوی دو بال علم و ایمان تا در دنیا و آخرت رستگار شویم.

ب. اهتمام به ازدواج

ازدواج از محبوب‌ترین قوانین نزد خداوند متعال و از سنت‌های پیامبر اسلام ﷺ است که با آن می‌توان نصف دین خود را کامل کرد: من تزوج فقد استكمل نصف الإيمان فليتق الله في النصف الباقي؛ (پاینده، ۱۳۸۲: ۷۵۴) «هرکسی زن بگیرد، یک‌نیمه ایمان خویش را کامل

کرده از خدا درباره نیم دیگر باید تقوای الهی پیشه نماید.» قرآن کریم نیز انسان را به ازدواج فرمان می دهد و می فرماید:

﴿وَأَنْكِحُوا الْأَيَامَىٰ مِنْكُمْ وَالصَّالِحِينَ مِنْ عِبَادِكُمْ وَإِمَائِكُمْ إِنْ يَكُونُوا فُقَرَاءَ يُعْجِبْهُمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ وَاللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ﴾ (نور/۳۲) «[مردان و زنان] بی همسرتان و غلامان و کنیزان شایسته خود را همسر دهید؛ اگر تهیدست‌اند، خدا آنان را از فضل خود بی نیاز می کند؛ و خدا بسیار عطاکننده و داناست.»

خداوند متعال صریحاً مسئله‌ی مالی خانواده‌ها را تضمین نموده است و جوانان نباید به خاطر فقر از ازدواج خودداری کنند. پیامبر اسلام ﷺ جوانان مجرد را سرزنش می کند و می فرماید: شرارکم عزائبکم؛ «بدترین شما مجردان‌اند.» (طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۷: ۲۲۰). امام صادق علیه السلام می فرماید: الرَّزْقُ مَعَ النَّسَاءِ وَالْأَعْيَالِ. (حر عاملی، ۱۴۰۹ ق، ج ۲۰: ۴۴) «روزی همراه همسر و فرزند است.» در زمان پیامبر صلی الله علیه و آله هرکسی از تنگدستی شکایت می کرد، پیامبر صلی الله علیه و آله امر به ازدواج می نمودند و می فرمودند: هر کس به خاطر فقر از ازدواج شانه خالی کند، به خدا گمان بد برده است؛ پس، بر همین اساس دومین وظیفه جوان اهتمام به ازدواج است. (hawzah.net / f a / Magazi ne)

ج. دوری از هوای نفس و شهوت

قوی‌ترین غریزه‌ی انسان، غریزه‌ی شهوت است که اوج آن در دوران جوانی است. بزرگ‌ترین مانع رشد یک جوان، شهوت‌پرستی و هوای نفس اوست. شهوت طلبی، وسوسه‌ی شیطانی است که انسان را اسیر خود می کند. جوان در این دوره حساس باید متوجه این غریزه باشد، چه بسا لحظه‌ای شهوت طلبی، ناراحتی درازمدت به همراه دارد: «رُبَّ شَهْوَةٍ سَاعَةٍ تُورِثُ حُرْنًا طَوِيلًا» (طوسی، ۱۴۱۴ ق، ۵۳۳) نفس اماره همان تمایلات غریزی است که بر اثر شدت یافتن، بر عقل غلبه می یابد. حضرت علی علیه السلام در این زمینه می فرماید:

مَنْ اتَّبَعَ هَوَاهُ أَغْمَاهُ وَ أَصَمَّهُ وَ أَذَلَّهُ وَ أَضَلَّهُ؛ (تمیمی آمدی، ۱۳۶۶، ص ۶۵) «هر که از هوس خود پیروی کند، هوس او را کوردل و کر باطن و خوار و گمراه می سازد.»

قرآن نیز منشأ انحرافات را پیروی از نفس و کلید سعادت و خوش بختی را مخالفت با خواهش‌های نفسانی می‌داند. یوسف علیه السلام نیز از نفس اماره به خداوند پناه می‌برد:

﴿وَرَاوَدْتُهُ الْبَنَاتِ هُوَ فِي بِئْتِهَا عَنِ نَفْسِهِ وَ عَلَّقَتِ الْأَبْوَابَ وَقَالَتْ هَيْتَ لَكَ قَالَ مَعَاذَ اللَّهِ إِنَّهُ رَبِّي أَحْسَنَ مَثْوَايَ إِنَّهُ لَا يُفْلِحُ الظَّالِمُونَ﴾ (یوسف / ۲۳)

و آن [زنی] که یوسف در خانه‌اش بود، از یوسف علیه السلام با نرمی و مهربانی خواستار کام‌جویی شد و [در فرصتی مناسب] همه درهای کاخ را بست و به او گفت: پیش بیا [که من در اختیار توأم] یوسف گفت: پناه به خدا، او پروردگار من است، جایگاهم را نیکو داشت، [من هرگز به پروردگارم خیانت نمی‌کنم] به یقین ستمکاران رستگار نمی‌شوند.»

حضرت علی علیه السلام در دعای صباح به خدا پناه می‌برد و می‌فرماید:

«إِلَهِي قَلْبِي مَخْجُوبٌ وَ نَفْسِي مَغْيُوبٌ... وَ هَوَايَ غَالِبٌ؛ (مجلسی، ج ۸۴: ۳۴۱) «خدایا

قلبم [با حجابی از گناه] پوشیده شده... و هوای نفس بر من چیره گشته است.»

خداوند عبادت جوان را بالاترین عبادت‌ها می‌داند. پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله در همین زمینه می‌فرماید:

سَمِعَةَ يُظْلِمُهُمُ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ فِي ظِلِّهِ يَوْمَ لَا ظِلَّ إِلَّا ظِلُّهُ إِمَامٌ عَادِلٌ وَ شَابٌّ نَشَأَ فِي عِبَادَةِ اللَّهِ

قَلْبُهُ مُتَعَلِّقٌ بِالْمَسْجِدِ إِذَا خَرَجَ مِنْهُ حَتَّى يَعُودَ إِلَيْهِ. (ابن بابویه، ۱۳۶۲، ج ۲: ۳۴۳)

خداوند هفت گروه را در روزی که سایه‌ای جز سایه‌اش نیست در سایه‌ی رحمت خود جای می‌دهد: اول، زمامدار عادل و دادگر؛ دوم، جوانی که در عبادت خدا پرورش یابد برای فرار از خواهش‌های نفسانی و شهوت... بناء لازم است ایمان و بندگی خدا را تقویت و معاشرت با دوستان منحرف را ترک کنیم و در پرورش عقل کوشا باشیم؛ زیرا هوای نفس دشمن عقل است؛ و علت انحرافات، اسارت عقل به دست امیال و هواهای نفسانی است. اگر جوان با آن مبارزه ننماید در دنیا و آخرت ناکام خواهد ماند.

د. خودسازی و تهذیب

حضرت علی علیه السلام در این مورد می‌فرمایند: **إِنَّمَا قَلْبُ الْحَدِيثِ كَالْأَرْضِ الْخَالِيَةِ مَا أَلْفِي فِيهَا مِنْ شَيْءٍ قِيلَتْهُ...** (نُحج البلاغة، نامه ۳۱) «قلب جوان مانند زمین خالی و مستعد است که هر چیزی را که در آن قرار می‌گیرد می‌پذیرد.»

بر اساس این سخن زیبای امام علی علیه السلام جوان باید چیزی را در این زمین خالی کشت کند که در آینده حاصل خوبی بگیرد. قرآن نیز به تزکیه و تهذیب نفس تأکید فراوان دارد: **قَدْ أَفْلَحَ مَنْ زَكَّاهَا** (شمس / ۹) «کسی که تزکیه کند رستگار است.» جوان می‌تواند با عهد و پیمان بستن با خود و مراقبت از اعمال روزانه و محاسبه‌ی اعمال و رفتار، خود را در مسیر رهروان حق قرار دهد.

ه. عبادت و بندگی

جوانان به سبب فطرت پاک و استعداد برای پذیرش حقایق به ملکوت اعلیٰ نزدیک‌ترند و می‌توانند سریع‌تر از دیگران به خدا برسند. پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله فرمودند: **إِنَّ اللَّهَ يَحِبُّ الشَّابَّ الَّذِي يَفِي شِبَاهِهِ فِي طَاعَةِ اللَّهِ.** (پاینده، ۱۳۸۲، ص ۳۱۶) «خداوند جوانی را دوست می‌دارد که جوانی‌اش را در اطاعت خدا مصرف نماید.» خداوند سبحان یکی از اهداف خلقت بشر را عبودیت و بندگی معرفی کرده است: **وَمَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْإِنْسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِ** (ذاریات/ ۵۶) «جن و انس را خلق نکردم، مگر برای عبادت» خداوند عبادت جوان را از بالاترین عبادت‌ها می‌داند.

۳. دوره حساس جوانی

جوانی دوران بسیار حساسی است؛ زیرا، از یک‌طرف در این دوره تمام غرایز و تمایلات در جوان شعله‌ور است و زبانه می‌کشد و از طرف دیگر یک دنیا احساسات و عواطف در جوان بروز کرده و شکوفا می‌شود. احساساتی که کاملاً ضربه‌پذیر و حساس است. علاوه بر این‌ها، جوانی، دوره‌ای پر از آمال و آرزو و تخیلات دور و دراز است که کاملاً فکر جوان را احاطه



می‌کند و به اصطلاح، در یک دوره کاملاً ایده آلیستی به سر می‌برد. اگر غرور و خودپسندی نیز بر این خصوصیات افزوده شود، شخصیت جوان و دوره حساس جوانی را نمایان می‌سازد امام علی علیه السلام می‌فرماید:

اِذَا عَاتَيْتَ الْحَدِيثَ فَاتْرُكْ لَهُ مَوْضِعًا مِنْ ذَنْبِهِ لِئَلَّا يَحْمِلَهُ الْاِخْرَاجُ عَلَي الْمَكَابِرَةِ؛ (ابن ابی الحدید، ۱۴۰۴ ق، ج ۲۰: ۳۳۳) «هرگاه جوان را توبیخ کردی، برخی خطاهای او را نادیده بگیر، تا توبیخ تو، او را به مقابله وادار نسازد.»

بنابراین، جوانی که در این دوره حساس، با آن خصوصیات ویژه به سر می‌برد؛ یعنی، سراپا احساسات است، تمام تمایلات و غرایزش بالفعل شده، تخیل‌ها، آمال و آرزوها و سوسه‌ها و شبهه‌ها وجودش را فراگرفته و مهم‌تر اینکه غرور جوانی هم بر او حکم‌فرما، می‌گردد. (مظاهری، ۱۳۸۷، ج ۱: ۸۷) پس دوره حساس جوانی زمانی است که وجود جوان را غرور و خودپسندی فراگیرد. (امیرخانی، بی‌تا: ش ۱۹)

۴. مشکلات اساسی جوانان امروز

سقراط فیلسوف یونان، در سال ۳۹۹ پیش از میلاد، به فاسد کردن جوانان متهم شد. اتهام دیگر او بی‌اعتقادی به خدایان بود. او قرن‌ها پیش چنین گفت:

جوانان ما عاشق تجملات و قدرت هستند. آن‌ها به بزرگ‌ترها احترام نمی‌گذارند و ترجیح می‌دهند به جای ورزش کردن باهم حرف بزنند. آن‌ها برای بزرگ‌ترها از جا بلند نمی‌شوند، قبل از دیگران شروع به حرف زدن می‌کنند، با دهان باز غذا می‌خورند و به آموزگاران خود بی‌احترامی می‌کنند. (<http://www.tabnak.ir/fa/news>)

با نگاهی به جامعه امروزی امکان دارد مشکلات جوانان امروز کمی با گذشته تفاوت داشته باشد ولی می‌توان به چند نمونه اصلی اشاره کرد:

الف. رابطه با والدین

مهم‌ترین مشکل والدین با فرزندان در فقدان ارتباط میان آن‌ها ریشه دارد. والدین حتماً باید فرزندان خود را راهنمایی کنند و در این میان وظیفه اصلی بر دوش پدران است.

بسیاری از والدین سعی می‌کنند که با صرف پول، محبت فرزندان خود را جلب کنند؛ درحالی‌که تمایل به مادیات یکی از بزرگ‌ترین مشکلات عصر ماست. فرزندان باید از والدین خود اطاعت کنند. والدینی که قوانین جامعه را زیر پا می‌گذارند نمی‌توانند از فرزندان خود انتظار فرمان‌برداری داشته باشند. والدین باید زمینه دوستی و محبت و رفاقت را برای جوانان آماده کنند تا بین والدین و فرزندان یک ارتباط صمیمی برقرار شود.

(<http://www.tabnak.ir/fa/news>)

ب. یافتن دوست

از موضوعات مهم قرآنی انتخاب دوست و ویژگی‌های آن است؛ چنانکه، در سوره فرقان خداوند حال برخی ظالمان را این‌گونه بیان می‌دارد: (روز قیامت) روزی است که می‌بینی ظالم (از شدت حسرت) دست خود را می‌گزد و می‌گوید: ای کاش با فلان شخص دوست نمی‌شدم. (فرقان/۲۸) جوان باید در انتخاب دوست توجه داشته باشد که بی‌دقتی در انتخاب دوست بدتر از نداشتن دوست است؛ بنابراین، باید جوان و والدین جوان در انتخاب دوست دقت کامل کنید. (همان) والدین باید بدانند که فرزندانشان به همراه دوستان خود کجا می‌روند و چه کار می‌کند. در واقع آن‌هایی که به فرزندانشان آزادی مطلق می‌دهند، در باد می‌کارند و در طوفان درو می‌کنند. به‌خصوص در جامعه امروزی والدین باید در حل این مشکل با جوانان همکاری کنند.

ج- یافتن همسر

جوانان باید در انتخاب همسر دقت زیادی داشته باشند، زیرا پای یک‌عمر زندگی در میان است. حضرت امیرالمؤمنین علی علیه السلام ضمن بیان، معیارهای یک همسر خوب، دعایی جهت ازدواج، ارائه می‌دهند که به دلیل طولانی شدن، به بیان معیارهای دیگر اکتفا کردیم: ۱- صالحه، خانمی که کارهای شایسته و موردپسند خدا را انجام دهد. ۲- ودود: بامحبت باشد. ۳- ولود: فرزند آور باشد؛ یعنی، نازا و عقیم نباشد. ۴- شکور: در مقابل نعمت‌های الهی شکرگزار باشد. ۵- قنوع: اهل قناعت باشد تا در زندگی تو را به‌زحمت نیندازد. ۶- غیور: نسبت به دین خدا و عفت خود غیرتمند باشد. ۷- در برابر احسانی که به او می‌شود قدردانی کند. ۸- چنانچه

از سوی تو کار ناروایی نسبت به او سر زد، عفو و اغماض کند. ۹- اگر در زندگی یادآور نام خدا شدی، تو را همراهی کند و اگر خدا را فراموش کردی یادآور شود و تذکر دهد. ۱۰- آنگاه که از منزل خارج شدی خودش را حفظ کند. ۱۱- و هرگاه به منزل وارد می شوی با ورودت خوشحال و مسرور گردد. ۱۲- چنان چه بر او دستور و فرمانی دادی اطاعت کند و اگر بر او قسم یاد کردی، ذمهات را بری کند و تکلیف خود را انجام دهد. ۱۳- اگر ناراحت شدی و او را مورد غضب قراردادی اسباب خوشنودیات را فراهم آورد. (مظاهری، ۱۳۹۰، ۶۷)

۵. اهمیت دوران جوانی

جوانی، مناسب‌ترین زمان برای به دست آوردن توانایی‌ها و دانش‌هاست؛ به گونه‌ای که می‌توان ادعا کرد دوران جوانی، فرصتی طلایی و درعین حال، کوتاهی است که اگر به خودشناسی و کمال یابی اختصاص یابد، سعادت جوان به خوبی تأمین می‌گردد. حضرت علی علیه السلام در خصوص اهمیت جوانی و تأثیر آن در زندگی فرمود:

شَيْئَانِ لَا يَعْرِفُ مَحَلَّهُمَا إِلَّا مَنْ فَقَدَهُمَا: الشَّبَابُ وَالْعَافِيَةُ؛ (لیثی واسطی، ۱۳۷۶: ۲۹۷) «دو چیز است که فضیلت و برتری آن‌ها را نمی‌داند، مگر کسی که آن‌دورا از دست داده باشد: جوانی و سلامتی.»

این دو از اهمیت بالای برخوردار است، انسان باید به درستی از این دو امانت الهی استفاده کند.

۶. ویژگی‌های جوان

ویژگی‌های جوان، دربرگیرنده اوصاف جسمی و روحی است و هر کدام از ویژگی‌ها، در رفتار جوانان تأثیرگذار است. در ذیل، به بیان مهم‌ترین این ویژگی‌ها می‌پردازیم.

الف. ویژگی‌های جسمی

با عنایت به اینکه جوانی بهار زندگی بوده و جوانان از قدرت، نشاط و سلامتی بیشتری نسبت به سایر دوران زندگی برخوردارند، در کلام امیر مؤمنان علی علیه السلام، استفاده از این

ویژگی‌ها برای دستیابی به سعادت و آخرت، مورد تأکید قرار گرفته؛ چنان که آن حضرت در تفسیر آیه شریفه ﴿وَلَا تَنْسَ نَصِيكَ مِنَ الدُّنْيَا﴾ (قصص/۷۷) می‌فرماید:

لَا تَنْسَ صِحَّتَكَ وَ قُوَّتَكَ وَ فِرَاعَكَ وَ شَبَابَكَ وَ نَشَاطَتَكَ أَنْ تَطْلُبَ بِهَا الْآخِرَةَ (حویزی، ۱۴۱۵ ق، ج ۴: ۱۳۹) «تندرستی و قوت و فراغت و جوانی و نشاطت را فراموش مکن و بوسیله این (پنج نعمت بزرگ) آخرت را طلب کن.»

از آنجا که جوانان معمولاً به جهت ویژگی‌های جوانی، عادت به عبادت طولانی ندارند، باید در عبادت رعایت میانه‌روی را بنمایند. این نکته، در توصیه امام علی علیه السلام به فرزندش نیز آمده است: فَلَا تَحْمِلْ عَلَى ظَهْرِكَ قَوْقَ طَائِقَتِكَ؛ (شریف الرضی، ۱۴۱۴ ق: ۳۹۸) «بیش از ظرفیت خویش، چیزی را بر خود تحمیل نکن.» اگر خداوند بخواهد عبادت بنده خود را قبول کند همین عبادت کم بنده را هم قبول می‌کند.

یکم. قدرت جسمی

از ویژگی دوره جوانی، قدرت جسمی است. بر اساس آیات قرآن کریم، خداوند متعال پس از نونهالی - که انسان از توانایی اندکی در آن ایام برخوردار است - نعمت جوانی را به او اعطا کرده که مشتمل بر بلوغ جسمی و قدرت است: □ اللَّهُ الَّذِي خَلَقَكُمْ مِنْ ضَعْفٍ ثُمَّ جَعَلَ مِنْ بَعْدِ ضَعْفٍ قُوَّةً ثُمَّ جَعَلَ مِنْ بَعْدِ قُوَّةٍ ضَعْفًا وَشَيْبَةً... □ (روم/۵۴) «خدا، همان کسی است که شما را آفرید، درحالی که ناتوان بودید. آنگاه پس از ناتوانی، قوت بخشید و سپس، بعد از توانمندی، ناتوانی [و پیری] قرارداد.»

حضرت علی علیه السلام ضمن تأکید بر غلبه تجربه و تفکر برای پیرمردان و ویژگی توانمندی و چابکی برای جوانان، این نکته را مورد عنایت قرار داده که قدرت جسمی، باید با تفکر همراه باشد. همچنین آن حضرت، قدرت اندیشه و تجربه کهن‌سالان را در مقایسه با قدرت جسمی جوانان، دارای اولویت دانسته و می‌فرماید:

رَأَى الشَّيْخَ أَحَبَّ إِلَيَّ مِنْ جَلْدِ الْعُلَمَاءِ؛ (شریف الرضی، ۱۴۱۴ ق: ۴۸۲) «اندیشه پیر را از چابکی و نیرومندی جوان بیشتر دوست دارم.»

بر این اساس، جوانان باید از لطف الهی، یعنی تجربه کهن‌سالان، کمال استفاده را ببرند.



دوم - تیزهوشی

جوانی، نه فقط دوره بلوغ جسمی و توانایی بدنی انسان است، بلکه مشتمل بر توانایی ذهنی وی است؛ زیرا در این دوره، هوش و عملکرد حواس پنج‌گانه رشد می‌یابد. بر این اساس امام علی علیه السلام فرموده است:

إذا احتجت إلى المشورة في أمر قد طرأ عليك فاستبده ببداية الشبان فإنهم أحد أذهانا و أسرع حدسا ثم رده بعد ذلك إلى رأي الكهول و الشيوخ ليستعقبوه و يحسنوا الاختيار له فإن تجربتهم أكثر؛ (ابن أبي الحديد، ۱۴۰۴ ق، ۳۳۷)

«هرگاه به مشورت نیازمند شدی، نخست به جوانان مراجعه نما، زیرا آنان ذهنی تیزتر و حدسی سریع‌تر دارند. سپس (نتیجه) آن را به نظر میان سالان و پیران برسان تا پیگیری نموده، عاقبت آن را بسنجند و راه بهتر را انتخاب کنند، چراکه تجربه آنان بیشتر است.»

ب. ویژگی‌های فکری و روحی

این نوع از ویژگی‌های جوان را می‌توانیم به دو بخش اساسی ویژگی‌های مثبت و ویژگی‌های منفی تقسیم نمود.

یکم: ویژگی‌های مثبت

این ویژگی‌ها نیز به‌نوبه خود به دسته‌های گوناگون تقسیم می‌شود که به‌طور خلاصه عبارت است از پاکی قلب، آرمان‌گرایی و آرزومندی که در ادامه به شرح هر کدام می‌پردازم.

۱. قلب پاک: فرصت جوانی، زمان مناسبی برای پیمودن مسیر کمال و ارتباط معنوی با خداوند است؛ زیرا هنوز دوستی دنیا و وابستگی به لذت‌های مادی در دل جوان رسوخ نکرده است. از این‌رو، وی در این دوره راحت‌تر از زمان پیری می‌تواند خود را از دنیادوستی دور نماید و معنویات را جایگزین آن کند. امام علی علیه السلام در نامه خویش، فرزندش حسن مجتبی علیه السلام را به داشتن نیت و نفس پاک توصیف می‌نماید:

أنت مُقْبِلُ الْعُمْرِ مُقْبِلُ الدَّهْرِ دُوَّ نَيْتَةٍ سَلِيمَةٍ وَ نَفْسٍ صَافِيَةٍ (مجلسی، ۱۴۰۳ ق، ج ۷۴: ۲۰۱)

«رو به زندگی آوردی و تازه با روزگار روبه‌رو شده‌ای. دارای نیت پاک و روان پاکیزه

هستی.»

۲. آرزومندی: از آنجاکه جوان در ابتدای زندگی قرار دارد و فاقد بسیاری از امکانات مادی است، همواره درصدد دستیابی به آرزوهای خویش است. بر این اساس، پیامبر اسلام ﷺ فرمود: الْأَمَلُ رَحْمَةٌ لِأُمَّتِي وَ لَوْلَا الْأَمَلُ مَا رَضَعَتْ وَالِدَةٌ وَلَدَهَا وَلَا غَرَسَ غَارِسٌ شَجْرًا (حلوانی، ۱۴۰۸ ق: ۲۱) «آرزو، برای امت من رحمت است. اگر آرزو نبود، هیچ مادری فرزند خود را شیر نمی داد و هیچ باغبانی درختی نمی نشاند.»

امیر مؤمنان علیه السلام در نامه‌ای به امام حسن علیه السلام به جایگاه آرزو در جوان اشاره نموده می‌فرماید:

مِنَ الْوَالِدِ الْفَانِ ... إِلَى الْمَوْلُودِ الْمُؤَمَّلِ مَا لَا يُدْرِكُ؛ (رضی، ۱۴۱۴ ق: ۳۹۱) این نامه، از پدری فناپذیر... به فرزندی است که آرزومند چیزی دست نیافتی است.

نوع نگاه حضرت در خصوص آرزو، بیانگر این معناست که اگرچه جوان مطابق طبعش، دارای آرزوهای فراوان است؛ اما آرزوها اگر در مسیر عقلانیت و تلاش قرار نگیرد، با خیال‌ها و آرزوهای تهی، تعویض شده، تنها آسودگی زودگذر را به همراه دارد. از این رو، امام علیه السلام ضمن اینکه به آرزومندی جوان اشاره می‌کند، آرزوهای دُور و دراز و بدون پشتوانه را امری ناصواب شمرده، برای آن، آسیب‌های احتمالی را یادآوری می‌نماید:

به‌یقین بدان که به همه آرزوهای خود نخواهی رسید. از مرگ جلو نمی‌افتی و بر راه کسی می‌روی که پیش از تو می‌رفت. پس در به دست آوردن دنیا، آرام باش و در مصرف آنچه به دست آوردی، نیکو عمل کن؛ زیرا چه‌بسا تلاش بی‌اندازه برای دنیا، به تاراج رفتن اموال را به دنبال دارد. (همان)

۳. آرمان‌گرایی: جوان، به دلیل داشتن قلب پاک و روح صاف، همواره آرمان‌طلب است. از این رو، عدالت‌طلبی و رسیدن به اهداف بلند را مدنظر قرار داده، در مسیر کمال حرکت می‌نماید و زودتر حق را می‌پذیرد. به همین جهت، بیشتر طرف‌داران پیامبر ﷺ جوانان بوده‌اند؛ چنان‌که، امیر مؤمنان علیه السلام فرمود:

أَصْحَابُ الْمَهْدِيِّ شَبَابٌ لَا كُهُولٌ فِيهِمْ إِلَّا مِثْلَ كُحْلِ الْعَيْنِ وَ الْمِلْحِ فِي الزَّادِ وَ أَقْلُ الزَّادِ الْمِلْحُ؛ (طوسی، ۱۴۱۱ ق: ۴۷۶) «بیشترین یاران امام زمان علیه السلام را جوانان تشکیل می‌دهند. یاران مهدی علیه السلام جوان‌اند و کهن سالان در میان آنان کم‌اند؛ مانند سرمه در چشم و نمک در توشه؛ چه اینکه کمترین قسمت توشه، نمک است.»

دوم. ویژگی‌های منفی

از مهم‌ترین ویژگی‌های منفی این دوره احساساتی بودن و جهالت است که به بررسی این دو می‌پردازیم.

۱. احساساتی بودن: در وجود انسان، دو عنصر مهم و محوری وجود دارند که عبارت‌اند از: عقل و احساسات. عقل، بر منطق و استدلال متکی است و درباره مسائل مختلف، با محاسبه و سنجش صحیح، قضاوت می‌نماید؛ اما احساس، با منطق و استدلال سروکار ندارد؛ بلکه هدف آن، ایجاد هیجان و جنبش برای رسیدن به نتیجه مطلوب است؛ برخلاف عقل که چراغ راهنمای بشر در شناخت راه از چاه یا خیر از شر است. با فرارسیدن سن بلوغ، تمایل جنسی و سایر خواهش‌های عاطفی جوان رشد کرده؛ اما از سوی دیگر، عقل جوان به مرحله پختگی نرسیده است. از این رو، قدرت مقابله با احساسات را ندارد. این موضوع، موجب می‌شود که جوانان در معرض آسیب قرار داشته باشند؛ بنابراین، جوان باید با بهره‌گیری از احساسات توأم با عقل، مسیر زندگی را طی کند و از اطاعت بی‌چون و چرای احساسات بپرهیزد؛ در غیر این صورت، عقل، اسیر احساسات می‌گردد و این امر، پیامدهایی منفی دارد. به جهت احساسی بودن جوان است که امیر مؤمنان، علی علیه السلام خطاب به فرزندش، امام حسن علیه السلام یادآوری می‌نماید، مواظب باشد که تحت تأثیر احساسات قرار نگیرد:

كَمْ مِنْ عَقْلٍ أُسِيرٍ عِنْدَ هَوَىِّ أَمِيرٍ؛ (رضی، ۱۴۱۴ ق: ۵۰۶) «چه بسیار عقلی که در برابر فرمان‌روایی هوا و خواهش‌های نفسانی، اسیر و گرفتار است.»

حضرت در ادامه می‌فرماید:

وَجَدْتِكَ بَعْضِي بَلْ وَجَدْتِكَ كُلِّي حَتَّى كَأَنَّ شَيْئًا لَوْ أَصَابَكَ أَصَابَنِي وَكَأَنَّ الْمَوْتَ لَوْ أَتَاكَ أَتَانِي فَعَنَانِي مِنْ أَمْرِكَ مَا يَعْنِينِي مِنْ أَمْرِ نَفْسِي؛ (رضی، ۱۴۱۴ ق: ۳۹۱) «تو را پاره‌ای از تن

خودیافتیم؛ بلکه تمام وجود خود احساس کردم؛ به طوری که اگر مصیبتی به تو روی آورد، مثل این است که به من روی آورده و اگر مرگ گریبان تو را بگیرد، گویا گریبان مرا گرفته است و من، غم کار تو را همچون غم کار خود می خورم.»

حضرت علی علیه السلام برای تعدیل احساسات و جلوگیری از آسیب های آن، امام حسن علیه السلام را به اموری چون: تقوا، موعظه پذیری و عبرت آموزی فراخوانده، می فرماید:

پس، ای پسرکم! تو را به پرهیزکاری و ترس از خدا و پیوسته امر و فرمان او را بردن و آباد ساختن خانه دل خود با یاد خدا و چنگ زدن به ریسمان او، سفارش می کنم. کدام وسیله، اطمینان بخش تر و استوارتر از رشته بین تو و خداست، اگر آن را دستاویز قرار دهی؟! دلت را به موعظه زنده دار؛ با پارسایی بمیران؛ به وسیله یقین نیرومند ساز؛ به نور حکمت روشن کن؛ با یاد مرگ، ذلیل و خاشع گردان و به اعتراف بر ناپودی و فنا وادار نما. (همان)

۲. جهالت: علم، از امور اکتسابی است و باید در طول زمان و با تحمل رنج حاصل شود. جوان نیز دارای ناآگاهی های فراوان است. از این جهت، در آغاز راه تحصیل علم و دانش قرار دارد و از سوی دیگر، تیزهوشی و توانایی های جسمی و هویت طلبانه جوان، موجب می شود که جهل خود را باور نداشته و حتی کتمان نماید. از این رو باید با سعی و تلاش، به کسب علم همت گمارد؛ نه اینکه این کاستی را باور نداشته یا کتمان نماید:

جَهْلُ الشَّابِّ مَعْدُورٌ وَعِلْمُهُ مَحْقُورٌ، (تمیمی آمدی، ۱۳۶۶: ۷۶) «نادانی جوان، معذور است و علم او، کوچک و ناچیز شمرده می شود.»

امام علی علیه السلام نادانی را از جمله ویژگی های جوانان برمی شمارد و فلسفه آن را نادانی انسان از بدو تولد نسبت به موضوعات و اکتسابی بودن علم دانسته می فرماید:

پس، اگر امری از امور بر تو مشکل شد، بر نادانی خود حمل کن؛ زیرا در آغاز آفرینش خود نادان بودی. پس، دانا شدی و چه بسیار چیزها که از آن ها آگاه نیستی و اندیشهات درباره آن سرگردان و بصیرت تو نسبت به آن ناچیز است و بعدها راجع به آن بینا می گردی.

(نهج البلاغه نامه ۳۱)



۷. جوانی، فصل کسب دانایی

همان‌طور که اشاره شد، جوان در فصل بهار زندگی که توانایی جسمی و روحی دارد، باید از جهالت خویش کاسته، بر دامنه آگاهی‌هایش بیفزاید؛ اما با عنایت به گستردگی علوم، یادگیری همه آن‌ها میسر نیست. از این‌رو، جوانان باید مطابق اهداف و آرمان‌های خویش، علمی خاص را تحصیل نمایند و به کسب دانش‌هایی بپردازند که در زمان جوانی و پیری برایشان مفید باشد؛ چنانکه، امام علی علیه السلام می‌فرماید:

وَأَعْلَمُ أَنَّهُ لَأَخَيْرٌ فِي عِلْمٍ لَيَنْفَعُ وَلَا يَنْتَفَعُ يَعْلَمُ لَيَحِقُّ تَعْلَمُهُ؛ (تحج البلاغه نامه ۳۱) «بدان که دانش بی‌فایده را خیری نیست و از علمی که شایسته آموختن نیست، فایده و منفعتی عاید نمی‌شود.»

همچنین در جای دیگر فرموده‌اند:

أولى الأشياء أن يتعلمها الأحداثُ الأشياءُ التي إذا صاروا رجالاً احتاجوا إليها؛ (ابن ابی الحدید، ۱۴۰۴ ق، ج ۲۰: ۳۳۳) «شایسته‌ترین چیزهایی که نوجوانان باید بیاموزند، چیزهایی هستند که هنگام بزرگ‌سالی به آن‌ها نیاز دارند.»

کسب علوم، به زمان خاصی اختصاص ندارد؛ اما در برخی از زمان‌ها و مقاطع سنی، یادگیری علوم اهمیت بیشتری دارد. از این‌رو، از علم‌آموزی هنگام کودکی و نوجوانی، در روایات به حک نمودن نقش بر سنگ تعبیر شده که به‌سادگی از بین نمی‌رود؛ هرکس در جوانی‌اش بیاموزد، آموخته‌اش مانند نقش بر سنگ است و هرکس در بزرگ‌سالی بیاموزد، مانند نوشتن روی آب است. به دلیل اهمیت علم‌آموزی جوانان، دشمنان درصددند از این فرصت استفاده کرده، ذهن آنان را به شبهات آلوده نمایند. از این‌رو، هرگاه معارف دینی در زمان مناسب (جوانی) به آنان تعلیم شود، دشمنان قادر نخواهند بود آن‌ها را منحرف سازند.

۸. غرور جوانی

غرور که به معنای فریفته شدن به دنیا و امکانات آن معنا شده است، ممکن است این ویژگی برای هرکسی رخ دهد؛ اما جوانان که در اوج قدرت و توانایی جسمی و ذهنی قرار دارند، می‌توانند از این تهدید، فرصتی برای وصول به سعادت و کمال بسازند. طبیعی است،

چگونگی وصول به سعادت یا بدبختی، تابع کیفیت به کار گرفتن توانایی‌های فکری و جسمی است؛ برای نمونه، جوان می‌تواند از قدرت بدنی خویش برای یاری ستم‌دیدگان استفاده نماید؛ ولی اگر به قدرت خویش مغرور شود، آن را در مسیر ستم به دیگران به کار خواهد گرفت. از این رو، حضرت علی علیه السلام همگان، به‌ویژه جوانان را از استفاده نامناسب از قدرت، مال، علم و جوانی، پرهیز داده می‌فرماید:

يَنْبَغِي لِلْعَاقِلِ أَنْ يَحْتَرِسَ مِنْ سُكْرِ الْمَالِ وَسُكْرِ الْقُدْرَةِ وَسُكْرِ الْعِلْمِ وَسُكْرِ الْمَدْحِ وَسُكْرِ الشَّبَابِ. (لیثی واسطی، ۱۳۷۶: ۵۵۲) «سزاوار است که عاقل از مستی: ثروت، قدرت، دانش، ستایش و جوانی بپرهیزد.»

امیر مؤمنان علی علیه السلام آفاتی را که ممکن است برای جوان به وجود بیاید، یادآوری نموده‌است. مربیان و والدین باید ضمن آشنا ساختن جوانان با ویژگی‌های جوانی، نقاط ضعف و قوت دوره جوانی را به آنان یادآور شوند و ایشان را به استفاده مطلوب از توانایی‌ها سوق دهند. علی علیه السلام به والدین و مربیان سفارش نموده که خطاهای جوانان را نادیده‌گیرند:

إِذَا عَاتَبْتَ الْحَدِيثَ فَاتْرِكْ لَهُ مَوْضِعًا مِنْ ذَنْبِهِ لِيَلْمَأَ يَحْمِلُهُ الْإِخْرَاجُ عَلَى الْمُكَابَرَةِ. (ابن ابی الحدید، ۱۴۰۴ ق، ج ۲۰: ۳۳۳) «هرگاه جوانی را سرزنش کردی، بخشی از خطاهای وی را نادیده بگیر تا سرزنش تو، وی را به لجاجت نکشاند.»

۹. ویژگی‌های عمومی

الف. الگوگیری

از بارزترین ویژگی‌های جوان، الگوپذیری است. این ویژگی، از این روی در جوانان شکل می‌گیرد که توانایی درک علمی امور را ندارند و شناخت واقعیت‌ها و تحلیل رفتار دیگران به‌آسانی برای آنان امکان‌پذیر نیست. در صورتی‌که جوان از الگوی مناسب پیروی کند، می‌تواند راه وصول به کمال را به‌سرعت طی نماید. در مقابل، توجه جوانان به الگوهای نامناسب، زمینه انحراف و تباهی ایشان را فراهم می‌سازد؛ چنان‌که فرهنگ‌سازان دنیای غرب، با توجه به این ویژگی جوانان است که الگوهای ساختگی و شخصیت‌های نامناسب را

ترویج می‌کنند و با این عمل، جوانان را از هویت انسانی و اسلامی‌شان جدا می‌نمایند. علی علیه السلام الگو گرفتن از شخصیت‌های الهی را مورد تأکید قرار داده، همگان، به‌ویژه جوانان را به پیروی از رسول خدا صلی الله علیه و آله فراخوانده است:

وَأَقْتَدُوا بِهَدْيِ نَبِيِّكُمْ أَفْضَلِ الْهُدَىٰ وَأَسْتُنُوا بِسُنَّتِهِ فَإِنَّهَا أَهْدَىٰ السُّنَنِ؛ (شریف الرضی، ۱۴۱۴ ق: ۱۶۳) «به سیره پیامبرتان اقتدا کنید که برترین سیرت است و به سنّت او باشید که هدایت‌کننده‌ترین سنّت‌هاست.»

حضرت همچنین اقتدا به الگوهای شایسته را مورد عنایت قرار داده و از پیامبر صلی الله علیه و آله به‌عنوان برترین الگوی خویش یاد کرده است:

من در پی او بودم؛ چنان‌که بچه شتر در پی مادر است. هر روز برای من از اخلاق خود نشانه‌ای بر پا می‌داشت و مرا به پیروی از آن می‌گماشت. (همان، خطبه ۱۹۱)

افزون بر این، آن امام بزرگوار، همگان را به الگوپذیری از اهل بیت علیهم السلام فراخوانده و فرموده‌اند:

به اهل بیت پیامبر صلی الله علیه و آله بنگرید. از آن سوی که آن‌ها گام برمی‌دارند، منحرف نشوید و قدم به‌جای قدمشان بگذارید. آنان هرگز شما را از جاده هدایت بیرون نمی‌برند و به پستی و هلاکت باز نمی‌گردانند. اگر سکوت کردند، سکوت کنید و اگر قیام نمودند، قیام کنید. از آن‌ها پیشی نگیرید که گمراه می‌شوید. از آنان عقب نمانید که هلاک می‌گردید. (همان، خطبه ۷)

امام علیه السلام در نامه خویش به فرزندش، امام حسن علیه السلام وی را به تبعیت از صالحان گذشته و استفاده از تجربه خوب آنان سفارش نموده و علت آن را گوشزد کرده است:

پیمودن راهی است که پدران و صالحان خاندانت پیموده‌اند؛ زیرا آنان آن‌گونه که تو در امور خویشتن نظر می‌کنی، در امور خویشتن نظر داشتند و همان‌گونه که تو درباره خویشتن می‌اندیشی، نسبت به خودشان می‌اندیشند. تلاش آنان در این بود که آنچه را شناختند، انتخاب کنند و بر آنچه تکلیف ندارند، روی گردانند. اگر نفس تو از پذیرفتن سرباز زند و خواهد چنان‌که آنان دانستند، بدانند، پس تلاش کن درخواست‌هایت از روی درک و آگاهی باشد. (نهج البلاغه، نامه ۳۱)

ب . عبرت آموزی

یکی از مسائل مهم که جوانان باید بدان توجه نمایند، عبرت‌پذیری است. امام علی علیه السلام با طرح سرگذشت اقوام و سران حکومت‌ها، جوانان را به عبرت‌پذیری فرامی‌خواند:

فَاتَعْتَبُوا بِالْغَيْرِ وَاعْتَبِرُوا بِالْغَيْرِ؛ (نَحْجِ الْبِلاَغَةِ، خطبه ۱۵۷) «از عبرت‌ها پند گیرید و از تغییرات، عبرت گیرید.»

وَاعْتَبِرُوا بِمَا قَدْ رَأَيْتُمْ مِنْ مَصَارِعِ الْقُرُونِ قَبْلَكُمْ؛ (نَحْجِ الْبِلاَغَةِ، خطبه ۱۶۱) «از آنچه از درگیری‌های قرون پیشین مشاهده کردید، عبرت گیرید.»

فَاعْتَبِرُوا بِمَا أَصَابَ الْأُمَمَ الْمُسْتَكْبِرِينَ؛ (نَحْجِ الْبِلاَغَةِ، خطبه ۱۹۲) «از آنچه بر سر امت‌های گردنکش آمد، عبرت بگیریید.»

ج . کسب تجربه

دوره جوانی، دوره بی‌تجربگی است و جوان، به‌شدت به کسب تجربه نیاز دارد. به همین سبب، امام علیه السلام جوانان را به تجربه‌پذیری دعوت می‌نماید:

إِنَّمَا الْعَاقِلُ مَنْ وَعَظَّتْهُ التَّجَارِبُ؛ (نَحْجِ الْبِلاَغَةِ، نامه ۳۱) «همانا عاقل، کسی است که تجربه‌ها او را پند دهند.»

آن امام بزرگوار در این باره به فرزندش چنین پند می‌دهد:

پسر! اگرچه به اندازه همه کسانی که پیش از من می‌زیسته‌اند، عمر نکردم؛ اما در کردار آن‌ها نظر افکندم و در اخبارشان اندیشیدم و در آثارشان سیر کردم؛ تا بدان جا که همانند یکی از آنان شدم؛ بلکه گویا در اثر آنچه از تاریخ آن‌ها به من رسید، با همه ایشان از اول تا آخر بوده‌ام. پس، قسمت زلال و مصفای زندگی آنان را از بخش کدر و تاریک آن بازشناختم و سود و زیانش را دانستم. از میان تمام آن‌ها، قسمت‌های مهم و برگزیده را برایت خلاصه کردم و از بین همه آن‌ها، زیبایی‌ها را برایت برگزیدم و ناشناخته‌های آن را از تو دور نمودم. (همان)

نتیجه

از سخنان نورانی امام علی علیه السلام درباره جوان به این نتیجه رسیدیم که از جمله دوره‌های مهم و تأثیرگذار در زندگی هر فرد و بهترین مخاطب برای تعلیم و تربیت دینی و آماده‌ترین نسل برای تهذیب نفس و تزکیه روح، دوره جوانی است که به بهار زندگی از آن تعبیر شد. به‌طور طبیعی، شناخت ویژگی‌های انسان در این دوره می‌تواند به استفاده مطلوب دوره جوانی بینجامد و به‌کارگیری توانایی‌ها در این زمان، به رشد و کمال بیشتر منجر شود؛ بر این اساس شناخت دوران جوانی از اهمیت خاص برخوردار است. برای این دوره یک مربی باتجربه لازم است تا جوانان و نوجوانان را به‌صورت درست تعلیم و تربیت نماید؛ چنانکه، پیامبر صلی الله علیه و آله فرموده است: مَنْ تَعَلَّمَ فِي شَبَابِهِ كَانَ بِمَنْزِلَةِ الْوَشْمِ فِي الْحَجَرِ وَ مَنْ تَعَلَّمَ وَ هُوَ كَبِيرٌ كَانَ بِمَنْزِلَةِ الْكِتَابِ عَلَى وَجْهِ الْمَاءِ؛ (راوندی کاشانی، بی تا: ۱۸) «هر کس در جوانی‌اش بیاموزد، آموخته‌اش مانند نقش بر سنگ است و هر کس در بزرگسالی بیاموزد، مانند نوشتن بر روی آب است.» بنابراین، اگر مربی جوان الگوی نامناسب باشد و جوان و نوجوان بر اساس همان تربیت و الگوی نامناسب رشد کند؛ آینده‌ای روشنی نخواهد داشت، چون آموختن جوان نقش بر سنگ است که پاک کردن آن خیلی سخت و مشکل است.

منابع و مأخذ

- قرآن کریم.
- نهج البلاغه.
- ابن أبی الحدید، عبدالحمید بن هبة الله (۱۴۰۴ ق)، شرح نهج البلاغه لابن أبی الحدید، ج ۱، قم: مكتبة آية الله المرعشي النجفی،
- ابن بابویه، محمد بن علی (۱۳۶۲)، الخصال، ج ۱، قم: جامعه مدرسین.
- احمد سیاح (۱۳۷۸)، فرهنگ دانشگاهی، ج ۳، تهران: کتاب فروشی اسلام.
- امیرخانی، علی (بی تا)، نشریه صباح، شماره ۱۹.
- پاینده، ابوالقاسم (۱۳۸۲)، نهج الفصاحة، ج ۴، دنیای تهران: دانش.
- پیشوایی، مهدی (۱۳۸۳)، سیره پیشوایان، قم: موسسه امام صادق علیه السلام.
- تمیمی آمدی، عبدالواحد بن محمد (۱۳۶۶)، تصنیف غررالحکم و درر الکلم، ج ۱، قم: دفتر تبلیغات.
- حر عاملی، محمد بن حسن (۱۴۰۹ ق)، تفصیل وسائل الشیعة إلى تحصیل مسائل الشریعة، ج ۱، قم: مؤسسة آل البيت علیه السلام.
- هدایة الأمة إلى أحكام الأئمة علیهم السلام، ج ۱، مشهد: آستانة الرضویة المقدسة، مجمع البحوث الإسلامية.
- حسن عمید (۱۳۸۳)، فرهنگ فارسی عمید، ج ۲۹، تهران: امیرکبیر.
- حسینی دشتی، سید مصطفی (۱۳۷۵)، معارف و معارف، قم: لیتوگرافی جوادائمه علیه السلام.



- حلوانی، حسین بن محمد بن حسن بن نصر (۱۴۰۸ ق)، *نزهة الناظر و تنبيه الخاطر*، ج ۱، قم: مدرسة الإمام المهدي □.
- حویزی، عبد علی بن جمعه (۱۴۱۵ ق)، *تفسیر نور النقلین*، ج ۴، قم: اسماعیلیان.
- راوندی کاشانی، فضل الله بن علی (بی تا)، *النوادر للراوندی*، ج ۱، قم: دار الكتاب.
- ره‌توشه راهبان نور، رمضان ۱۳۹۴، قم: دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم.
- شریف الرضی، محمد بن حسین (۱۴۱۴ ق)، *نهج البلاغة (للصباحی صالح)*، ج ۱، قم: بی جا.
- شیخ بهایی، محمد بن حسین (۱۳۹۸ ق) *الوجیزه فی علم الدرايه*، ج ۱، قم: بصیرتی.
- طبرسی، فضل بن حسن (۱۳۷۲)، *مجمع‌البیان فی تفسیر القرآن*، ج ۳، تهران: ناصر خسرو.
- طوسی، محمد بن الحسن (۱۴۱۱ ق)، *الغیبة (لطوسی)*، ج ۱، قم: دار المعارف الاسلامیة.
- _____ (۱۴۱۴ ق)، *الأمالی*، ج ۱، قم: دار الثقافة.
- فراهیدی، خلیل بن احمد (بی تا)، *کتاب العین*، ج ۲، قم: هجرت.
- قرائتی، محسن (۱۳۸۸)، *تفسیر نور*، ج ۱، تهران: مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن.
- قمی، علی بن ابراهیم (۱۳۶۳)، *تفسیر القمی*، ج ۳، قم: دار الكتاب.
- کلینی، محمد بن یعقوب بن اسحاق (۱۴۲۹ ق)، *الکافی*، قم: دار الحدیث.
- لیبی واسطی، علی بن محمد (۱۳۷۸)، *عیون الحکم و المواعظ*، قم: دار الحدیث.
- مجلسی، محمدباقر بن محمدتقی (۱۴۰۳ ق)، *بحار الأنوار*، ج ۲، بیروت: دار إحياء التراث العربی.
- مظاهری، حسین (۱۳۸۷)، *اخلاق و جوان*، ج ۴، قم: شفق.
- _____ (۱۳۹۰)، *جوانان و انتخاب همسر*، بی جا: قدیس.

— معین، محمد (۱۳۸۸)، فرهنگ معین، ج ۲۴، تهران: امیرکبیر.

— یعقوبی، احمد بن اسحاق (بی تا)، تاریخ یعقوبی، ج ۱، بیروت: دار صادر.

— <https://hawzah.net/fa/Magazine/View/۴۴۸۰۴/۵۰۵۲/۴۶۳۲/%D۸%۹>

— <http://www.tabnak.ir/fa/news/194534/>